

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هفدهم، شماره سوم، مرداد و شهریور ۱۳۹۶، ۳۵-۵۱

بررسی و نقد کتاب تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

سیدشمس‌الدین حسینی*

چکیده

مقاله حاضر به نقد کتاب *تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی* می‌پردازد. مؤلفان کتاب جنگ اقتصادی (تحریم) را به‌عنوان تهدید اصلی اقتصادی و جلوه اجبار و اعمال قدرت اقتصادی معرفی کرده‌اند که آسیب‌پذیری در قبال آن از جمله در حوزه سایبری، وابستگی علمی و فنی در حوزه صنعتی، و وابستگی اقتصاد کشور به نفت وجود دارد. از میان پیش‌نهادهای ارائه‌شده ایجاد سامانه و قرارگاه دفاع اقتصادی راه‌گشا تر است.

خلاصه ارزیابی کتاب آن است که تلاش مؤلفان در پرداختن به پیوند اقتصاد، دفاع، و امنیت نکته قوت اثر است. البته اثر به‌لحاظ شکلی و محتوایی (انسجام‌نداشتن در تحلیل‌های آماری، معتبر نبودن برخی منابع، و استفاده از آمارهای قدیمی) می‌تواند تقویت شود. برخلاف عنوان کتاب در متن کتاب به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی کم‌تر پرداخته شده است؛ بنابراین لازم است به الزامات و سازگاری الگوی اقتصاد مقاومتی، الگوی دفاع و امنیت همه‌جانبه، و جایگاه آن در اقتصاد مقاومتی بیش‌تر پرداخته شود. در مجموع، از کتاب یادشده می‌توان به‌عنوان منبعی کمکی برای دروسی چون اقتصاد ایران و اقتصاد توسعه استفاده کرد. اگرچه اقدام اصولی راه‌اندازی رشته‌هایی چون اقتصاد دفاع در مقطع تحصیلات تکمیلی است.

کلیدواژه‌ها: تحریم اقتصادی، تهدید اقتصادی، دفاع اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ایران.

* دکترای اقتصاد و استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، sh.hosseini@atu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۰۸

۱. مقدمه

کارکرد اصلی اقتصاد به‌عنوان بخشی از حیات بشر در سطح فردی و اجتماعی تأمین معیشت و رفاه بوده و است، اما به‌علت ضرورت نیازهای معیشتی در طول تاریخ مشاهده می‌شود که از این حوزه به‌عنوان اهرم فشار برای اعمال اراده یا زور در مناسبات داخلی در روابط دو یا چندجانبه و بین‌المللی استفاده می‌شود. در واقع، اقتصاد کارکرد امنیتی پیدا کرده است و چون امریکا در راه‌برد امنیتی خود از تحریم اقتصادی به‌عنوان ابزار تهدید و فشار استفاده می‌کند این امر را ایران در دوره معاصر و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بارها تجربه کرده است. تحریم‌های نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ شمسی به یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی تبدیل شده است، که در همین راستا الگوی اقتصاد مقاومتی از جمله برای مقابله با تحریم‌ها یا جنگ اقتصادی طراحی شده است.

در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۲ شمسی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پس از ماه‌ها بحث و بررسی در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تأیید مقام معظم رهبری رسید و براساس اصل یک‌صد و نهم قانون اساسی از سوی ایشان ابلاغ شد. در نامه ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از آن به‌عنوان «الگوی اقتصادی» یاد شده است. در ابلاغیه آمده است که «ایران اسلامی اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است پیروی کند، نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید، بلکه دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار در برابر این ملت بزرگ صفا آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وامی‌دارد» (مقام معظم رهبری ۱۳۹۲).

با توصیف فوق، به سیاست‌های کلی یادشده باید به‌عنوان سیاست‌های مبنایی الگوی اقتصادی توجه کرد، اما از منظر دیگری نیز می‌توان به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نگریست و آن دفاع و امنیت ملی است. چه در مقدمه و چه در احکام مجموعه یادشده و چه در سخنان رهبری از ادبیاتی استفاده شده است که بیش‌تر در حوزه دفاع و امنیت از آن استفاده می‌شود. علاوه بر واژه «جنگ اقتصادی» در بند ۲۲ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (۱)، واژگانی چون «توان‌آند»، «رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن»، «مدیریت مخاطرات اقتصادی»، و ... به‌کار رفته است. در واقع، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در مقایسه با سایر سیاست‌های کلی اقتصادی، هم‌چون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بیش‌ترین و نزدیک‌ترین پیوند را با حوزه دفاع و امنیت ملی که کارکرد اصلی‌شان رفع تهدید است دارد.

کتاب *تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی* با پشتیبانی پژوهشگاه مهندسی بحران طبیعی توسط دو تن از پژوهشگران (سیدجواد هاشمی فشارکی و سیمه پورعبدی) با انگیزه شناخت ماهیت و ابعاد تهدیدات اقتصادی ایران، ارائه راهکارهای دفاع اقتصادی، و مقابله با تهدیدات تألیف شده است. بررسی پیشینه مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که با وجود پرداختن طرف‌های متخصص خارجی به ابعاد تهدیدات و از جمله جنگ اقتصادی، این موضوع کم‌تر مورد توجه پژوهشگران داخلی است؛ بنابراین باید به این گونه تلاش‌ها از سوی پژوهشگران داخلی ارج نهاد. نقد این کتاب با انگیزه بررسی و درعین حال ارج نهادن و جذب پژوهشگران به این عرصه مهم و راهبردی است. ساختار مقاله نقد بدین صورت است که ابتدا، اثر معرفی می‌شود؛ سپس، نقد شکلی و نقد محتوایی اثر ارائه می‌شود، مقاله با پیش‌نهادهایی برای تقویت اثر به پایان می‌رسد.

۲. معرفی کتاب

هدف از تألیف کتاب موارد زیر ذکر شده است:

- ضرورت و اهمیت پایداری اقتصاد ملی در برابر تهدیدات؛
- شناخت ماهیت و ابعاد تهدیدات اقتصادی؛
- شناخت اقتصاد و حوزه‌ها و کارکردهای آن؛
- شناخت وضعیت کلان اقتصاد ملی و تبیین آسیب‌پذیری آن؛
- تبیین اقتصاد پایدار و دفاع اقتصادی در برابر تهدیدات اقتصادی؛
- راهکارهای مقابله با تهدیدات اقتصادی (هاشمی فشارکی و پورعبدی ۱۳۹۳: ۱۳).

در پنج فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

- فصل اول: ادبیات و مفاهیم اقتصاد؛
 - فصل دوم: شناخت اقتصاد ملی؛
 - فصل سوم: تهدیدات علیه اقتصاد ملی؛
 - فصل چهارم: شناخت آسیب‌پذیری حوزه‌های اقتصاد ملی؛
 - فصل پنجم: پایداری اقتصادی و اقتصاد مقاومتی در برابر تهدیدات (همان: ۱۳).
- مطالب پیش‌گفتار متنوع است، اما یکی از پیام‌های اصلی پیش‌گفتار تصریح بر ابعاد غیرنظامی و به‌طور مشخص جنگ اقتصادی به‌عنوان تهدید است.

امروز حوزه تهدیدات از تغییر و تحولات بسیار گسترده‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که با مفاهیم جدیدی با پسوند جنگ (مثل نسل اول، دوم، سوم، و چهارم جنگ‌ها) یا پیشوند جنگ (مثل جنگ‌های سایبری، جنگ‌های شبکه‌ای، جنگ‌های یارانه‌ای، و جنگ رسانه‌ای) مواجه می‌باشیم. امروز شاهد مفاهیم جدیدی هم‌چون جنگ نرم، جنگ رسانه، جنگ بانکی، جنگ اقتصادی، و ... هستیم. حوزه اقتصاد از جمله حوزه‌های جدید جنگ است که قادر است سایر حوزه‌ها را تحت تأثیر و تهدید قرار دهد، از این رو، از جایگاه و اهمیت برجسته‌ای برخوردار است (همان: ۱۸).

مؤلفان جنگ اقتصادی را چنین تعریف می‌کنند:

جنگ اقتصادی یعنی جنگ با ابزار و مؤلفه‌های اقتصادی علیه زیرساخت‌های اقتصادی یک کشور. بنابراین جنس جنگ و آلات آن غالباً از نوع خمپاره، هوایی، موشک، و این قبیل تجهیزات و تسلیحات نیست، بلکه ابزار آلات آن مؤلفه‌ها و عوامل اقتصادی، هم‌چون پول، بانک، تحریم، محاصره اقتصادی، و زیرساخت‌های مالی و می‌باشد، از این رو، شناخت محیط و تهدیدات جدید امری ضروری است (همان: ۱۹).

مؤلفان در ادامه این قسمت به بررسی محتوای قطع‌نامه‌های تحریمی سازمان ملل و همین‌طور تحریم‌های امریکا و غرب علیه ایران می‌پردازند. آن‌ها با بیان این‌که فعالیت دشمنان علیه ایران کاملاً هوشمندانه و از قبل طرح‌ریزی شده است، تشکیل قرارگاه اقتصادی را پیش‌نهاد می‌دهند (همان: ۲۳).

مؤلفان با طرح عقیده برخی صاحب‌نظران (که نامی از آن‌ها ذکر نمی‌کنند) درخصوص تردید در موفقیت تحریم اقتصادی و البته نقاط قوت ایران مثل مرزهای گسترده آبی بیش از دوهزار کیلومتر در جنوب و هم‌چنین، برخورداری از نیروهای مؤمن و باسواد به ظرفیت‌های اقتصاد ایران برای مقابله با تحریم اشاره دارد، اگرچه آسیب‌های زیر را نیز برمی‌شمارند:

- آسیب‌پذیری در حوزه سایبری؛
- وابستگی علمی و فنی در حوزه فناوری اطلاعات به سایر کشورها؛
- وابستگی فنی و دانشی در حوزه صنعت؛
- وابستگی اقتصادی کشور به نفت

نتیجه می‌گیرند که ایران قادر است تحریم‌ها و تهدیدات اقتصادی را تبدیل به فرصت کند و این کار نیازمند برنامه‌ریزی و ارائه راه‌کارهای اجرایی مناسب است (همان: ۲۵-۲۶).

فصل اول اگرچه مقدمه‌ای ندارد تا هدف فصل در آن تصریح شود، به نظر می‌رسد به هدف تبیین شناخت اقتصادی و حوزه‌ها و کارکردهای آن اختصاص دارد. با تعریف علم اقتصاد به‌عنوان «علم تخصیص بهینه منابع کم‌یاب» به دو حوزه «خرد» و «کلان» پرداخته است و سپس، سه نظام اقتصادی متمرکز، آزاد، و مختلط و تمایز آن‌ها را در چگونگی پاسخ به سه سؤال اصلی که چه کالاها و خدماتی در جامعه باید تولید شود؟ شیوه تولید کالاها و خدمات چگونه است؟ کالاها و خدمات چگونه توزیع شوند؟ به اختصار شرح می‌دهد. در ادامه فصل، بیماری هلندی و چگونگی آن توضیح داده می‌شود. در انتهای این فصل به رکود اقتصادی جهان (سال ۲۰۰۷ م) و پیش‌بینی آثار آن و اقدامات جبرانی دولت‌های غربی می‌پردازد (همان: ۳۱-۴۶).

فصل دوم معطوف به شناخت وضعیت کلان اقتصاد ملی است که با معرفی مبانی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی شروع می‌شود. بندهای اصل چهل و سوم قانون اساسی مبنی بر تأمین نیازهای اساسی، ایجاد امکانات اشتغال، رعایت آزادی انتخاب شغل، منع انحصار و اضرار به غیر، احتکار و ربا، و جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور را مرور می‌کند. در ادامه فصل به اصل ۴۴ و هدف و سیاست‌های کلی آن اشاره می‌شود. سپس، به معرفی آمار عملکرد اقتصادی در سال ۱۳۸۷ شمسی و سال ۲۰۰۸ میلادی می‌پردازد (همان: ۴۷-۸۰).

فصل سوم معطوف به هدف تبیین شناخت ماهیت ابعاد تهدیدات اقتصادی است. این فصل با بیانات رهبری در آغاز سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ شمسی در حرم رضوی آغاز می‌شود که «دشمنان ما از اوایل سال (۱۳۹۰)، حرکت خصمانه خودشان را در عرصه اقتصاد نسبت به ملت ایران آغاز کردند». در ادامه، به تبیین ابعاد و انواع تهدیدات اقتصادی می‌پردازد. مفهوم جنگ اقتصادی تصریح و بخشی از مباحث پیش‌گفتار تکرار می‌شود (همان: ۸۱-۸۴).

در ادامه این فصل روی مفهوم «تحریم‌های اقتصادی» به‌عنوان بارزترین جلوه به‌کارگیری اجبار، تنبیه، و اعمال قدرت مستقیم اقتصادی تأکید می‌شود و انواع تحریم‌ها را معرفی می‌کند (همان: ۸۷-۹۰).

از نکات برجسته این فصل معرفی راهبرد کلان تهدید امریکاست. تصریح شده است که در راهبرد امنیتی نوین «تلاش‌ها به‌منظور تغییر رفتار و یا تغییر نظام در جمهوری اسلامی ایران، تنها از طریق تمرکز اقدامات هوشمند و خصمانه در مؤلفه‌های نظامی صورت نخواهد گرفت، بلکه اقدامات خصمانه دشمن گستره‌ای به وسعت ارکان مختلف قدرت ملی را پوشش خواهد داد» و در ادامه درباب راهبرد امنیتی امریکا آمده است: «اهداف مهم، دیگر

نظامی نیستند. هدف ما صرفاً شکست نظامی دشمن نیست، بلکه کسب پیروزی از طریق مجاب کردن تصمیم‌گیرندگان دشمن بدین امر است که اهداف آنها هزینه فوق‌العاده‌ای داشته یا غیرقابل دستیابی است» (همان: ۹۲).

در این فصل به شکل دقیق‌تری جنگ اقتصادی را تعریف کرده است:

«جنگ اقتصادی مجموعه اقدامات متعمدانه، خصمانه، و اخلاص‌گرایانه دشمن است که جهت کاهش توان اقتصادی ملی به منظور کاهش قدرت ملی و افول توان مقاومت ملی با هدف تغییر رفتار صورت می‌گیرد» (همان: ۹۴).

ادامه این فصل به معرفی تحریم‌ها علیه ایران به تفکیک وضع‌کنندگان تحریم‌ها، ارائه اسامی تحریم‌شدگان، و همین‌طور قطع‌نامه‌های تحریمی سازمان ملل بر ضد ایران اختصاص دارد. تحریم‌های امریکا به تفکیک دوره رؤسای جمهور این کشور نیز ارائه شده است (همان: ۹۷-۱۲۰).

فصل چهارم به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد در برابر تهدیدات (تحریم اقتصادی) به تفکیک نظام بانکی، ارزی، سرمایه‌گذاری و مالی، امنیت شبکه بانکی، صادرات و واردات، پول‌شویی، دانش و فناوری، قطعات کلیدی و حساس، و بخش نفت و گاز پرداخته است (همان: ۱۲۰-۱۴۰).

در فصل پنجم ابتدا به نقد کلام مقام معظم رهبری در باب طراحی جنگ اقتصادی و تشریح اقدامات خشی‌کننده‌ای چون هدف‌مندی یارانه‌ها با وجود اعمال تحریم که منتج به نتایجی چون صرفه‌جویی در مصرف بنزین و بهبود توزیع درآمد شد و همین‌طور الزامات توفیق اقتصادی چون روحیه جهادی، استحکام معنویت و روح ایمان و تدین، پرهیز از ابتلا به مسائل حاشیه‌ای، حفظ اتحاد، و انسجام ملی اختصاص دارد (هاشمی فشارکی و پورعبدی ۱۳۹۳: ۱۴۰-۱۵۰).

در ادامه این فصل مباحث ریاضت اقتصادی، سیاست پولی، و سیاست مالی برای مقابله با بحران اقتصادی در غرب و البته راه‌برد، اهداف کلان، و پیش‌نهاداتی در قبال تهدیدات اقتصادی پرداخته شده است (همان: ۱۵۱-۱۷۰).

۳. نقد شکلی اثر

اثر مورد بررسی دارای مقدمه با تصریح بر اهداف و ساختار، پیش‌گفتار، و فهرست مطالب است، اما دارای چند کاستی است؛ از جمله این‌که فهرست جدول‌های آماری در ابتدای

کتاب نیامده است. هریک از فصول کتاب فاقد مقدمه و جمع‌بندی هستند، با این‌که کتاب بدون جمع‌بندی است. ترتیب مقدمه و پیش‌گفتار نیز عوض شده است و پیش‌گفتار بسیار طولانی است و بیش‌تر شبیه به خلاصه‌های اجرایی کتب یا گزارش‌هاست.

به‌لحاظ چاپی و فنی، طرح روی جلد با عنوان کتاب تناسب دارد، کیفیت چاپ و صحافی و قطع کتاب مناسب است، اما غلط‌های تایپی متن زیاد است و در مواردی به محتوا لطمه وارد کرده و آن را مبهم ساخته است. مثلاً، در فصل اول صفحه ۳۶ پاراگراف دوم، «قیمت» به‌اشتباه «قسمت»، در صفحه ۳۷ «اجاره» به‌اشتباه «اجازه»، صفحه ۴۰ ارزش‌های خارجی به‌اشتباه ارزش‌های خارجی تایپ شده است. در جداول آماری نیز غلط‌های فاحش وجود دارد. به‌طور نمونه، در صفحه ۷۰ آمار تولید ناخالص داخلی سرانه غلط تایپ شده است. در صفحه ۷۱ واژه شاخص دوبار تکرار شده است. به‌لحاظ نگارش و ویرایش متن کتاب دارای ایراد است؛ مثلاً، در فصل اول صفحه ۳۱ آمده است:

موضوعی که طرف‌داران این نظام بر آن تأکید می‌کنند که این است که عدالت اجتماعی در این نظام از نظام اقتصاد آزاد بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد که کارآمدی نظام اقتصاد متمرکز، در مقایسه با نظام اقتصاد آزاد از این منظر هم باید مورد بررسی قرار گیرد.

در فصل دوم صفحه ۷۶ آمده است: «هرگونه تلاش برای خارج کردن درآمدهای نفتی به معنای آن است که درآمدهای مالیاتی چندبرابر شود.»

در فصل سوم صفحه ۸۷ آمده است: «تحریم‌ها وابستگی متقابلی را در اختیار مسئولان امنیت ملی قرار می‌دهد تا بتوانند دولت دیگر را با برقراری تحریم‌های اقتصادی و یا تهدید به انجام آن به تغییر در سیاست امنیتی خودش وادار نمایند.»

به‌لحاظ رسا و روان بودن، اغلب بخش‌های متن مناسب است، اما برخی بخش‌ها که به‌نظر ترجمه یا اقتباس از ترجمه دیگران است نارسا و ثقیل است. دو مبحث «سیاست پولی و مقابله با بحران» و «سیاست مالی و مقابله با بحران» در فصل پنجم صفحات ۱۶۲ و ۱۶۷ نمونه‌ای بارز در این‌بار هستند.

۴. نقد محتوایی

۱.۴ نقد درون ساختار اثر

ساختار کلی و ترتیب فصول اثر از نظم و انسجام برخوردار است. به‌گونه‌ای که چنان‌چه محتوای فصول از اتقان و کفایت برخوردار باشد، می‌تواند اهداف مؤلفان را که در مقدمه

تصریح شده است پوشش دهد. مؤلفان به‌درستی خواسته‌اند نقش تحری یا جنگ اقتصادی را در جهان معاصر واکاوی و معرفی کنند و این امر بسیار کلیدی است. نکته مهم دیگر اهمیت این حربه علیه اقتصاد ایران است که مؤلفان بدان پرداخته‌اند. بیان تجارب تحریم علیه ایران و ذکر مصادیق آن و سرانجام تلاش برای آسیب‌شناسی اقتصاد ایران و ارائه راه‌کارهای مقاوم‌سازی اقتصاد نقشه راه مؤلفان است.

باوجود این نکته در فصول کاستی یا اشکالاتی وجود دارد که به برخی پرداخته می‌شود. یک اشکال در بخش پیش‌گفتار است که هم طولانی و هم مشتمل بر مطالبی است که در سایر فصول عین آن‌ها تکرار شده است. مثلاً، آن‌چه با عنوان مفاهیم نظری جنگ اقتصادی در فصل سوم (همان: ۸۳-۸۴) آمده است، تکرار مطالب صفحات ۱۸ و ۱۹ پیش‌گفتار است. تکرار مطالب پیش‌گفتار را می‌توان در فصل چهارم (همان: ۱۴۰) نیز مثال زد. در فصل پنجم در صفحات ۱۵۴ تا ۱۵۷ بخش دیگری از پیش‌گفتار تکرار شده است.

یکی از کاستی‌هایی که در همه فصول از جمله اول کتاب وجود دارد، فقدان مقدمه و جمع‌بندی است که چهارچوب هر فصل را مبهم و ارتباط فصول را کم‌رنگ می‌سازد. آن‌چه در درون فصل اول آمده، انسجام کافی ندارد. سؤال این است که سه مبحث اقتصاد (تعریف علم اقتصاد، حوزه‌های اقتصادی، و نظام‌های اقتصادی)، بیماری هلندی، و رکود اقتصاد جهان چه ارتباطی با هم دارند. البته در این فصل لغزش‌های علمی نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه در صفحه ۴۱ آمده است که «کاهش ارزش پول داخلی به معنی گران‌تر شدن تولیدات کشور در بازارهای بین‌المللی است و سبب می‌شود تا کشور موردبررسی قدرت رقابت خود را از دست بدهد و» که این امر غلط و در تناقض با مفاهیم بنیانی نظریه بیماری هلندی است.

فصل دوم اثر معطوف به معرفی اقتصاد ایران است. در بخش میانی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در معرفی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی مرتبط با آن نارساست. تحلیل‌های آماری فاقد انسجام است و برخی مطالب با عنوان استفاده‌شده در زیر فصل نمی‌خوانند. نمونه مشخص عنوان «عوامل انسانی» در صفحه ۶۷ است که آن‌چه ذیل این عنوان آمده، ارتباطی با آن ندارد. بخش پایانی این فصل با عنوان «چگونه بیماری هلندی را درمان کنیم» آمده است که مستقل از محتوای آن به ارائه پیشنهاد می‌پردازد که در فصل ارائه پیشنهاد در پایان فصل پنجم (بخش پایانی کتاب) منظور شده است.

فصل سوم به نوعی مهم‌ترین فصل کتاب است، چون تلاش دارد تهدیدات علیه اقتصاد ملی را تبیین کند. البته تهدیدات اقتصادی بیش‌تر منحصر به تحریم یا جنگ اقتصادی شده است. در درون فصل نیز سازمان‌دهی مناسب نیست؛ مثلاً، تحریم‌های امریکا در دو قسمت تکرار شده است. آنچه ذیل عنوان «تحریم‌های امریکا علیه ایران در دوران اوباما» آمده است (همان: ۱۰۸-۱۱۱) هیچ ربطی به عنوان یادشده ندارد. کم‌این‌که بسیاری از موارد که ذیل عنوان «نقاط قوت ایران در برخورد با اقتصاد جهانی» در صفحات ۱۱۶ تا ۱۱۹ آمده نیز نقطه قوت نیستند که نمونه بارز آن قاچاق و شبه‌قاچاق است که ذیل این عنوان آورده شده است. در فصل چهارم آسیب‌پذیری اقتصاد ملی فهرست شده است، اما مشخص نیست که روش مؤلفان برای نیل به این فهرست چه بوده است. برخی موارد با فصل به‌طور کلی یا زیرعنوان آن بی‌ارتباط است؛ مثلاً، آنچه در صفحه ۱۳۰ درباب معرفی کریدر حمل و نقل شمال - جنوب آمده، چه ارتباطی با عنوان سرمایه‌گذاری و مالی دارد؟

برخی مباحث مانند مطلب صادرات و واردات ناقص است (همان: ۱۳۱) و در محتوای شرح مطلب زیر عنوان پول‌شویی (همان: ۱۳۲-۱۳۶) از هدف فصل خارج شده است و به تعاریف کلی و ادبیات عمومی پول‌شویی پرداخته است.

مطالب فصل پنجم پیوستگی کافی ندارد و پیش‌نهادهای انتهایی فصل (و به‌بیانی انتهای کتاب) برگرفته و بخشی از یک مقاله است؛ بنابراین با فصل و کل کتاب پیوند لازم را ندارد. یا مشخص نیست آنچه ذیل عنوان‌های «سیاست پولی و مقابله با بحران مالی» و «سیاست‌های مالی و مقابله با بحران مالی» (همان: ۱۶۲-۱۶۸) آمده چه ربطی با بحث دارد. باوجود عنوان کتاب، فقط در فصل پنجم یک زیرعنوان به اقتصاد مقاومتی اختصاص یافته است (همان: ۱۵۰) که مطالب آن نیز هیچ ارتباطی با اقتصاد مقاومتی ندارد و به ریاضت اقتصادی پرداخته است. در مجموع، یک کاستی کتاب آن است که به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نپرداخته و فقط در پیوست این سیاست‌ها درج شده است. مؤلفان در مقدمه (همان: ۱۴) به نوعی در توجیه این کاستی می‌نویسند: «... در آخرین لحظاتی که این کتاب در چاپ‌خانه قرار داشت خیر ابلاغ سیاست‌های کلی نظام توسط مقام معظم رهبری منتشر گردید؛ لذا متن آن به‌صورت پیوست به این کتاب اضافه گردید». حال این سؤال مطرح می‌شود که با چه توجیهی عبارت اقتصاد مقاومتی در عنوان کتاب آمده است؟

آنچه در بخش تعاریف و اصطلاحات آمده است نیز می‌توانست در متن اصلی و فصول آورده شود، البته درخصوص استحکام تعاریف در بخش‌های بعدی مقاله بحث خواهد شد.

۲.۴ نقد منابع

برخی از منابع که در انتهای کتاب به آن‌ها اشاره شده (البته در متن به صورت مستقیم از آن‌ها استفاده نشده است) رادیوهای خارجی (رادیو آلمان) و رادیو زمانه است. برخی منابع دیگر که از آن‌ها استفاده شده مثل ویکی‌پدیای انگلیسی است که استفاده از آن‌ها در تحلیل و مطالعات علمی کم‌تر رایج است. کمالین که گاه مؤلفان مطلبی آماری را به سرمقاله یک نشریه ناشناخته با عنوان پیام سیاهکل ارجاع داده‌اند که البته به اشتباه آن را «سیاهکل، پیام» نوشته‌اند. در مجموع، اگرچه منابع فارسی و انگلیسی در خصوص موضوع کتاب در مقایسه با بسیاری موضوعات کم‌تر است، با وجود این، تعداد و تنوع و اعتبار منابع می‌توانست بیش‌تر باشد. در حوزه مأخذ آماری از سایت CIA استفاده شده است که شایسته است منابع سازمان‌های رسمی چون Word Economic Outlook استفاده شود. یک اشکال جدی به قدیمی بودن منابع آماری برمی‌گردد. با وجود این که کتاب در پاییز ۱۳۹۲ شمسی نگاشته شده است (یعنی مؤلفان می‌توانستند به آمار ۲۰۱۲ میلادی نیز دسترسی داشته باشند، آمار مربوط به سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی است. بنابراین منابع و به تبع آن تحلیل‌های آماری با شکاف و لاجرم ناسازگاری زمانی مواجه هستند. این امر در سایر بخش‌های اثر نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه، پیش‌نهادات از منبعی مربوط به سال ۱۳۸۸ شمسی اقتباس شده که بسیاری از آن‌ها استفاده شده بودند (هاشمی فشارکی و پورعبدی ۱۳۹۳: ۱۶۸-۱۷۰).

در برخی موارد هم مشاهده شده که چند صفحه از یک منبع به صورت تقریباً پیوسته در کتاب آورده شده است که نمونه بارز آن صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۶ کتاب است. در مواردی هم مؤلفان از عباراتی چون «اساساً بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند ...» (همان: ۲۴) استفاده کرده‌اند، بدون این که نامی از صاحب‌نظران برده شود یا به منبعی ارجاع داده شود. بنابراین خواننده علاقه‌مند نمی‌تواند مطلب را پی‌گیری کند، به‌ویژه آن که ممکن است با یافته‌های خواننده در تقابل باشد. مثلاً، در همین مورد این گونه مطرح می‌شود که در جهان کنونی تحریم، جنگ، یا محاصره اقتصادی با موفقیت حتمی همراه نخواهد بود، زیرا تحولات و روابط بین‌الملل به گونه‌ای است که اقتصاد کشورها را از حالت ملی به فراملی تغییر وضعیت داده است.

بدین ترتیب، از مطالب پیش‌گفته این گونه استنباط می‌شود که در عصر حاضر که گاه از آن به عنوان عصر جهانی شدن نیز یاد می‌شود، تحریم‌ها دشوارتر است. این در نقطه مقابل تحلیلی است که می‌گوید یک‌پارچگی بازارهای مالی و وابستگی کشورها به بهره‌گیری از

بازارهای جهانی (هم چون وابستگی ایران به بازار جهانی نفت) سبب توفیق بیش تر کشورهای چون امریکا برای اعمال تحریم شده است. این تحلیل که در نقطه مقابل نظر نقل شده در کتاب است، در منابع لاتین که طی سال‌های اخیر در خصوص تحریم‌ها انتشار یافته است هم چون *ابزارهای جدید جنگ اقتصادی* (Tools of Economic Warfare The new)، این ویژگی‌های اقتصادی را هم چون یک پارچگی بازارها و جهانی شدن دلیلی برای اثربخشی تحریم‌ها علیه کشورهای چون جمهوری اسلامی ایران ذکر می‌کنند (در بخش منابع برخی آثار مرتبط معرفی می‌شود). نکته آخر آن که بسیاری منابع که در انتهای کتاب ارائه شده است (به ویژه منابع انگلیسی) در کتاب به طور مستقیم به آن‌ها ارجاع داده نشده است. شیوه ارجاع‌دهی نیز استاندارد نشده است، گاهی منبع تلفیقی از واژگان فارسی و انگلیسی است؛ مواردی مشاهده می‌شود که نام نویسنده غلط تایپ شده است. برای نمونه، به جای «فرزین وش» «فوزی وش» نوشته شده است. با این توصیف در صورت بهره‌گیری از آثار جدید و با استاندارد کردن منبع‌نویسی می‌توان به اثر قوت بیش تری بخشید.

۳.۴ نقد وضعیت تحلیل و بررسی اثر

مؤلفان رعایت بی طرفی علمی را داشته‌اند، البته چه بسا با توجه به ماهیت موضوع وارد نقد آرا و دیدگاه‌های دیگران نشده‌اند و در مجموع، از توانایی لازم برای تجزیه و تحلیل مطالب بهره‌مند هستند، اما در برخی موارد از جمله آن‌چه در بخش منابع ذکر شد، مستندات کافی برای مبحث ارائه نکرده‌اند. در مواردی نیز تحلیل آن‌ها نارساست. نمونه‌هایی چون تحلیل بیماری هلندی، سیاست ارزی، سیاست‌های پولی و مالی در مقابله با بحران که در بخش‌های پیشین به آن‌ها اشاره شد از این دست هستند. در برخی موارد هم چون دو مورد اخیر نیاز چندانی نیز به پرداختن آن‌ها نبود و در صورت حذف اثر خدشه‌ای به آن وارد نمی‌سازد. در غیر این صورت، ارائه چنین تحلیلی با کیفیت یاد شده از استحکام اثر می‌کاهد.

۴.۴ نقد و تحلیل میزان نوآوری و روزآوری اثر

در مجموع، موضوع اثر کم تر مورد توجه پژوهش‌گران داخلی قرار گرفته و از این حیث تلاش مؤلفان با ارزش است. شایان ذکر است که در سال‌های اخیر نویسندگان خارجی بیش از پیش به موضوعاتی چون جنگ اقتصادی پرداخته‌اند. گزارش‌ها و کتاب‌های لاتین با عنوانی چون قدرت اجبار، جنگ اقتصادی، جنگ خزانه‌داری، و ... در سال‌های اخیر

به‌رشته تحریر درآمده‌اند که در همه آن‌ها بخش قابل توجهی به تحریم‌های اقتصادی علیه ایران اختصاص داده شده است. مشخصات برخی از این آثار در فهرست منابع این مقاله آورده می‌شود که چند نکته در این آثار شایان توجه است.

اول، این منابع بر اهمیت و ترویج به‌کارگیری تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزار تهدید و فشار و به‌نوعی جنگ نوین تأکید دارند.

دوم، به تحریم‌های اقتصادی و به‌ویژه تحریم‌های مالی به‌عنوان یک ابزار مهم در راهبرد امنیت ملی تصریح می‌کنند.

سوم، این منابع تجربه تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهایی چون ایران را بیان می‌کنند. چهارم، نویسندگان آن‌ها افراد آکادمیک دارای تجربه یا دست‌اندرکار وضع تحریم‌ها علیه کشورهایی چون ایران بوده‌اند.

پنجم، بخشی از این آثار به ارزیابی تحریم‌ها برای کاربردهای آن در آینده اختصاص دارد.

ششم، در این منابع به مبنای عملکرد و دلایل انعطاف و استقلال امریکا در اعمال تحریم‌های مالی اشاره شده است.

استفاده از این دست منابع می‌تواند به مؤلفان این اثر در چاپ‌های بعدی یا آثار جدید کمک کند و بر قوت استناد و روزآمدی اثر یا آثار مشابه بیفزاید و زمینه سیاست‌گذاری مناسب را برای مقابله با تهدیدات امنیتی - اقتصادی در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی فراهم آورد.

۵.۴ نقد میزان هماهنگی اثر با اصول و مبانی

از این حیث اثر از هماهنگی خوبی برخوردار است. اگر توجه شود که این‌گونه آثار به تبیین راهبرد و الگوی اقتصادی کمک می‌رسانند و این‌که در شناخت و طراحی الگوی دفاعی و امنیتی نیز مهم به‌شمار می‌آیند، این هماهنگی بیش‌تر درک می‌شود. اثر به‌طور مستقیم به اقتصاد مقاومتی نمی‌پردازد، اما همان‌گونه‌که در مقدمه ذکر شد، چون از مبانی و خاستگاه‌های تدوین و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توجه به شناخت و آفند جنگ اقتصادی است و در احکام (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی) بر رصد برنامه‌های تحریم دشمن و مقابله با آن تصریح شده است، بنابراین رویکرد و محتوای اثر از هماهنگی مبنایی برخوردار است.

۶.۴ نقد و تحلیل میزان انطباق و جامعیت اثر

شایسته است که در چاپ‌های بعدی به‌طور مستقیم به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در متن اصلی اثر پرداخته شود. ضمن این‌که به ابعاد دیگر تهدیدات اقتصادی کم‌تر پرداخته شود و فصلی به این عنوان اختصاص داده شود. مثلاً، نفوذ اقتصادی که لازم است در تبیین ابعاد تهدیدات اقتصادی مورد توجه واقع شود. هم‌چنین، لازم به نظر می‌رسد که به الزامات و سازگاری الگوی اقتصاد مقاومتی با الگوی دفاع همه‌جانبه و جایگاه دفاع در اقتصاد مقاومتی بیش‌تر پرداخته شود و این جنبه از اثر نیز تقویت و تشریح گردد.

۷.۴ نقد و تحلیل چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای لازم علمی

باتوجه به نوع اثر به‌کارگیری برخی ابزارهای علمی و مؤلفه‌های چهارگانه جامعیت صوری هم‌چون تمرین و آزمون‌ها منتفی است، اما چنان‌چه مؤلفان به روش پژوهش و استنتاج راه‌کارها و پیش‌نهادها بپردازند به فهم و پذیرش آن‌ها کمک می‌کند.

۸.۴ نقد و تحلیل میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

در مجموع، کیفیت اثر در کاربرد اصطلاحات تخصصی در متن مناسب است. البته لازم است در تعریف مفاهیم و اصطلاحات ارائه‌شده در پایان کتاب (همان: ۱۷۱) بازبینی شود. به‌طور مشخص، تعریف «اقتصاد جنگ» که معادل «economics of war» است نارساست و منبع آن نیز ذکر نشده است. اقتصاد جنگ در بیان کلی، کاربرد اصول و قواعد و تحلیل‌های علم اقتصاد در اداره اقتصادی (مقرون‌به‌صرفه‌تر) جنگ است.

واژه اقتصاد دفاعی معادل «defensive economy» است، حال آن‌که تعریف ارائه‌شده به اقتصاد دفاع که معادل «defense economics» است، برمی‌گردد. شایسته است این موارد با استفاده از منابع معتبر فارسی و لاتین که در فهرست منابع به آن‌ها اشاره شده، بازبینی شوند. شایان ذکر است که صدر پاراگراف دوم صفحه ۱۷۱ مربوط به تعریف اصطلاح تخصصی جنگ اقتصادی نیز درست نیست که لازم است اصلاح شود.

۹.۴ نقد رویکرد کلی اثر

همان‌گونه‌که در متن اثر آمده و در قسمت‌های قبلی نیز بدان پرداخته شد، حربه دشمنان برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران و چشم‌پوشی آن از آرمان‌های اسلامی، ایرانی،

و انقلابی مبادرت به تحریم‌های اقتصادی است. با مراجعه به نوشته‌های چهره‌های امنیتی آمریکا هم‌چون دیوید گاپرت که مؤسسه رند منتشر ساخته (Gompert and Binnendijk 2016) یا کتاب جنگ خزانهداری (Zarate 2013) و منابع مشابه می‌توان به نقشه آمریکا در قبال ایران پی برد. بنابراین تحریم اقتصادی چالش و بهتر است گفته شود، تهدید امنیتی پیش‌روی جوامعی چون ایران است. به همین علت، رویکرد کلی کتاب مبنی بر شناخت تحریم‌های اقتصاد، بررسی آسیب‌پذیری‌های ایران در قبال آن، و ارائه راه‌کارهایی برای ارتقای استحکام ساخت درونی قدرت اقتصاد و مقاوم‌سازی آن در مقابل تهدیدات خارجی امری حیاتی و سودمند است. رویکرد پیش‌گرفته‌شده و ارائه پیش‌نهادهایی در اثر چون ایجاد سامانه و قرارگاهی برای دفاع اقتصادی با همکاری دستگاه‌های اقتصادی، دفاعی، و امنیتی در کل راه‌گشا خواهد بود.

۱۰.۴ نقد و تحلیل نحوه کاربرد و آموزشی اثر

یکی از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی که در احکام سیاست‌های کلی آمده است، تبیین و ترویج آن است. چنان‌چه کاستی‌های برشمرده در اثر یادشده برطرف شود، می‌تواند بخشی از آن در درس اقتصاد مقاومتی که برای دانشجویان رشته‌های مختلف تدوین می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد. در فضای فعلی که درس مستقلاً با عنوان اقتصاد مقاومتی در دوره‌های تحصیلی وجود ندارد این اثر می‌تواند به‌عنوان منبع کمکی برای درس اقتصاد ایران در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته اقتصاد و رشته‌های مرتبط نیز به کار گرفته شود. البته برای رشته‌هایی چون علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، امنیت ملی، و رشته‌های مشابه نیز معرفی آن مفید ارزیابی می‌شود.

۵. نقد و تحلیل جایگاه (روش‌شناختی) اثر

اثر ارائه‌شده از ماهیت بین‌رشته‌ای (اقتصاد با دفاع و امنیت ملی) برخوردار است و شایسته است به مبانی روشی هر دو حوزه توجه شود. مثلاً، بخش قابل‌توجهی از علم و نظریه اقتصاد که از جمله پشتیبان راهبردهای آزادسازی تجاری و مالی و سرانجام، یک‌پارچگی و جهانی‌شدن اقتصاد است مبتنی بر فروضی است که با وجود تحریم‌ها ناسازگار است و نقض می‌شود. فهم و شناخت عمیق تهدیدات اقتصادی چون تحریم و در پی آن ضرورت طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی مستلزم این‌گونه بحث‌های روش‌شناختی است. مباحث

مشابهی در نظریه‌های دفاع و امنیت ملی و رویکردهای امنیتی جهانی مطرح است. شایسته است، اثر و آثار این‌چنینی به این مباحث مبنایی بپردازند. به‌لحاظ روش پژوهش این اثر می‌تواند با بهره‌گیری از منابع متنوع، جدیدتر، معتبرتر، و البته روش‌های استدلالی‌تر جنبه‌اقتناعی بیش‌تری به خود بگیرد. مطالعه تطبیقی و ارائه تجارب کشورهای دیگر در مقابله یا حتی شکست درقبال تحریم‌ها نیز به غنای مطلب خواهد افزود.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

موضوع کتاب *تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی* بسیار مهم و راه‌بردی است. هرچه کاربرد و کارکرد اقتصاد به‌عنوان ابزار فشار بیش‌تر شود، این امر حیاتی‌تر می‌شود. تجارب عملی، علمی، و منابع و کتب انتشاریافته در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که تحریم اقتصادی به‌عنوان یک تهدید برجسته اقتصادی روزبه‌روز در راه‌برد امنیت ملی کشورهایی چون آمریکا کاربرد بیش‌تری یافته است. بنابراین پرداختن به موضوع تهدیدات اقتصادی ازسوی پژوهش‌گران داخلی نه‌تنها بایستی به فال نیک گرفته شود، بلکه باید به‌مراتب بیش از آنچه هست ترغیب شود و انجام پذیرد. پرداختن به موضوع تحریم‌های اقتصادی و به‌عبارتی جنگ اقتصادی از برجستگی‌های سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است؛ شناخت، رصد، و آفند تحریم‌های اقتصادی از خاستگاه‌های الگوی اقتصاد مقاومتی است. اگرچه ایران تجارب عملی زیادی در حوزه مواجهه با تحریم‌های اقتصادی دارد، اما این موضوع کم‌تر به حوزه مطالعات، پژوهش‌ها، و لاجرم متون درسی راه یافته است. اثر حاضر تلاشی در این راستاست و باوجود موارد برشمرده در نقد کتاب، این اثر در جای خود باارزش است. شایسته است که مؤلفان با تکمیل اثر به تجدیدچاپ آن مبادرت ورزند یا این‌که با تألیف آثار جدید این تلاش را تکمیل کنند. اثر دارای پیشنهادهایی است که برخی از آن‌ها انجام شده است یا برخی دیگر موضوعیت ندارد، ولی پیشنهادهایی چون تشکیل سامانه یا به‌عبارتی قرارگاه دفاع اقتصادی در دولت البته به‌عنوان تشکیلات ثابت، یک پیش‌نهاد کارساز تلقی می‌شود. علاوه‌بر پیشنهادهای اجرایی، شایسته است برای ایجاد رشته درسی و متون در این زمینه نیز پژوهش‌گران همت گمارند و ازسوی مراجع ذی‌ربط پشتیبانی شود. پیش‌بینی دروسی با عناوین «تهدیدات اقتصادی»، «تحریم‌های اقتصادی»، و «دفاع اقتصادی» در رشته‌هایی چون اقتصاد، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، و ... گام مؤثری است. در یک

سطح پایین‌تر حداقل باید محتوا و سرفصل‌های دروسی چون اقتصاد ایران و توسعه اقتصادی بازبینی شوند و مباحثی از قبیل تحریم اقتصادی بدان افزوده شود و البته در درس‌هایی چون تجارت بین‌الملل، مالیه بین‌الملل، اقتصاد بین‌الملل، سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی که در رشته‌های یادشده یا مشابه تدریس می‌شود، نیز باید این مباحث به محتوا و سرفصل دروس افزوده شود.

پیش‌نهاد پایانی توسعه و ایجاد رشته‌های درسی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری چون اقتصاد دفاع و ... است که می‌تواند گرایش‌هایی چون تحلیل جنگ و دفاع اقتصادی را نیز پوشش دهد و به تعمیق شیوه‌های پژوهش، آموزش، و سرانجام به آموزه‌های سیاسی منطبق با چالش‌های اقتصاد و دفاع و امنیت ملی رهنمون شود.

کتاب‌نامه

- حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۲)، «اقتصاد ایران همراه با تحریم با تأکید بر عملکرد سال ۱۳۹۱»، فصل‌نامه سیاست‌های پولی و مالی اقتصادی، س ۱، ش ۲.
- حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۶)، «رابطه اقتصاد مقاومتی و الگوی دفاع همه‌جانبه»، در: دومین همایش اقتصاد مقاومتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دری نوگورانی، حسین (۱۳۹۲)، اقتصاد دفاع در دوران جدید، تهران: ساق.
- گزارش هنر جنگ اقتصادی (اقتصاد ایران در مواجهه با تحریم) (۱۳۹۲)، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- منظور، داوود و منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۲)، «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه، ویژگی، اهداف و اقدامات»، فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، س ۱، ش ۲.
- هاشمی فشارکی، سیدجواد و سمیه پورعبدی (۱۳۹۳)، تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، تهران: علم‌آفرین.

Cormack, D. and H. Pascoe (2015), "Sanction and Preventive War", *Journal of Conflict Resolution*, vol. 61.

Gilbert, E. (2015), *Money as a "Weapons System" and the Entrepreneurial Way of War*, Routledge Tayllpr & Francis Group.

Gompert, D. and H. Binnedijk (2016), *The Power to Coerce*, Arroyo Center, the RAND Corporation, Santa Monica, Calif.

Gompert, David C. and Hans Binnendijk (2016), *The Power to Coerce: Countering Adversaries Without Going to War*, RAND Corporation.

- Nakanishi, H. (2015), *The Construction of the Sanctions Regime Against Iran: Political of Dimensions Unilateralism*, Asser Press.
- Prof, Madies, Th. (2013), *Economic Sanctions: Embargo on Stage; Theory and Empirical Evidence*, University Fribrgness.
- Rickards, J. (2011a), *Currency Wars: The Making of the Next Global Crisis*.
- Rickards, J. (2011b), *Currency Wars: Making of Next Global Crisis*, Penguin Group.
- Rosenberg, E, D. Drezner, J. Solomon-Strauss, and Z. Goldman (2016), *The New Tools of Economic Warfare: Effects and Effectiveness of Contemporary U.S. Financial Sanctions*, Center for a New American Security.
- Sandler, T. and K. Hartley (2000), *The Economics of Defense*, Cambridge University Press.
- Williams, I. C. B. (2016), *Currency Wars and the Erosion of Dollar Hegemony*, Michigan Journal of International law.
- Zarate, Juan C. (2013), *Treasury's War*, Publicaffairs, New York.